یادداشت

باز شدن گره‌ها سر سجاده

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
فعال فرهنگی

بارها به ما گفته‌اند که خدای بزرگ از مادر به ما مهربان‌تر است. گفته‌اند خداوند بزرگ، بر همه‌چیز قادر است. شنیده‌ایم که گره مشکلات در درگاه خدا با دعا باز می‌شود و جملاتی نظیر این‌ها، اما کلامی از امیر کلام، امام علی(ع)، در نهج‌البلاغه وجود دارد که جامع این بیان و محتواست، آنجا که می‌فرمایند: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ ا... أَصْلَحَ ا... مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ ا... لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ ا... حَافِظٌ؛ آن که میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح می‌کند، و آن که کار آخرت خود را درست کند، خدا کار دنیای او را سامان دهد، و آن که او را از خود بر خویشتن واعظی است، خدا را بر او حافظی است».

این جملات جامع و تکان‌دهنده، مسیر حل مشکلات و باز شدن گره‌ها را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید که ای بنده خدا! تو برای حرکت کردن به‌سمت خدا آفریده شده‌ای. تو آفریده شده‌ای که با عبادت او به جایگاه حقیقی و عزت ابدی خود برسی، پس به‌دنبال اصلاح امور خود در این موضوع باش و ببین که درباره خدای خود و دل دادن به او چه کرده‌ای و چه نکرده‌ای.

ببین چقدر برای خدا و دین و آخرت خود کم گذاشته‌ای؛ چیزی که در کاستی‌های زندگی تو خودش را نشان می‌دهد. امیرالمؤمنین(ع) در این روایت زیبا تأکید می‌کنند گام‌هایی که به‌سمت خدا برمی‌داری، زندگی تو را اصلاح می‌کند و بهبود این رابطه، در رابطه تو با دیگران مؤثر است. بزرگ‌ترین جلوه رابطه و اصلاح رابطه با خداوند در نماز است و کسی که در نماز خود کم می‌گذارد، یقین بداند که در زندگی خود، رزق مادی و معنوی خود، دچار کاستی می‌شود و در کار او گره می‌افتد. امیرالمؤمنین علی(ع) در بیان دیگری که درواقع تکمیل‌کننده روایت بالا و ذیل روایتِ بالاست، می‌فرمایند: «فی رِسالَتِهِ إلی مُحَمَّدِ بن أبی بَکرٍ: صَلِّ الصَّلاه لِوَقتِها المُؤَقَّتِ لَها، ولا تُعَجِّل وَقتَها لِفَراغٍ، ولا تُؤَخِّرها عَن وَقتِها لِاشتِغالٍ، واعلَم أنَّ کلَّ شَیءٍ مِن عَمَلِک تَبَعٌ لِصَلاتِک؛ در نامه به محمدبن ابی‌بکر فرمودند: نماز را در وقت مقررش بخوان و برای آسوده شدن، آن را جلو و به‌دلیل اشتغال به کاری، آن را به تأخیر مینداز و بدان که همه کارهایت، تابع نمازت است».

در این روایت نیز حضرت، همه کارها و درواقع زندگی و کمال و نقص و خوبی و بدی آن را تابع نماز می‌دانند که درواقع موجب همان اصلاح رابطه با خداست؛ یعنی زندگی تو سر سجاده نمازت اصلاح می‌شود.

در روایات دیگری نیز آمده است که انجام عبادات خالصانه و بالا فرستادن عبادات خالصانه، باعث می‌شود خداوند بهترین مصلحت‌ها و تقدیرها را برای فرد بفرستد. انسان باید مدام برای این رابطه با خدا و اصلاح این رابطه، نگران باشد و دغدغه داشته باشد و گاهی به خودش نهیب بزند و اگر اشتباهی کرد، برای خودش تنبیه تعیین کند و در نقطه مقابل، گاهی از موفقیت‌های خودش در مسیر بندگی خدا، شادمان باشد و حتی برای خودش تشویق درنظر بگیرد.

این مضمون خط آخر روایت اول است که فرمود هرکه واعظ درونی داشته باشد و مدام حواسش به خودش باشد و خودش را به‌سمت خدا بکشاند، خدا هم نگهبان و حافظی برای او قرار می‌دهد تا کار او را تکمیل کند.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم به همه ما توفیق عمل به این روایات نورانی را بدهد و در مسیر بندگی خود، عزت دو دنیا را نصیب و روزی‌مان کند. ان‌شاءا... .

اشارت

آداب دیدار

طیبه اشرفی| اینکه می‌گویند اسلام برنامه جامع زندگی است، در توصیه‌ها و آموزه‌های روایی به‌خوبی آشکار و عیان است، تاجایی‌که روایات درباره نحوه نشستن ما در مجالس و نشست‌وبرخاست‌های ما هم سفارش کرده‌اند که در ادامه برخی از آن‌ها را مرور می‌کنیم. پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «هرگاه افراد مجلسی در جای خود نشستند[و کسی وارد شد] اگر در آن میان، فردی برادر تازه‌وارد خود را فراخوانَد و برای او درکنار خود جا باز کند، [این تازه‌وارد] باید دعوتش را بپذیرد و پهلوی او برود؛ زیرا وی با این کار به او احترام گذاشته است. ولی اگر کسی برایش جایی باز نکرد، نگاه کند، هرجا بیشتر جا بود، همان‌جا بنشیند» نقل است پیامبر خدا(ص) در مسجد تنها نشسته بودند، مردی وارد شد. حضرت رسول(ص) برای او خود را جابه‌جا کردند. آن مرد گفت: ای رسول خدا! جا که زیاد است. پیامبر(ص) فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان است که چون دید می‌خواهد کنار او بنشیند، خود را برایش جابه‌جا کند».

(مکارم‌الأخلاق: ۶۹/۶۵/۱)

شریف‌ترین نحوه نشستن

و از رسول خدا(ص) است که: «هر چیزی شرافتی دارد و شریف‌ترین نحوه نشستن، آن است که رو به قبله باشد».

(بحارالأنوار: ۴/۴۶۹/۷۵)

امیرالمؤمنین علی(ع) در بیان اوصاف پیامبر(ص) فرمودند: «هرگز دیده نشد که آن حضرت در حضور هم‌نشین خود، پایش را دراز کند».

(بحارالأنوار: ۲۳۶/۱۶)

روایات درباره رعایت نشست‌وبرخاست مهمان در منزل میزبان هم توصیه دارند؛ امام باقر(ع) می‌فرمایند: «هرگاه یکی از شما به منزل برادر خود وارد می‌شود، باید هرجا که صاحبخانه گفت، همان‌جا بنشیند؛ چون صاحبخانه به موقعیت خانه خود آشناتر از میهمان است».

(قرب‌الاسناد: ۲۲۲/۶۹)

انواع مجالس

رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «مجلس‌ها سه‌گونه است: سودمند، سالم و پژمرده. مجلس سودمند، مجلسی است که در آن ذکر خدا گفته شود. محفل سالم، محفل خاموش است و محفل پژمرده، آن است که در آن به باطل پرداخته شود».

(بحارالأنوار: ۱۸/۱۸۹/۷۴)

مجالسی که نباید به آن‌ها برویم

حضور در مجالسی که علیه اهل‌بیت(ع) سخن می‌گویند، در روایات به‌شدت نهی شده است؛ پیامبر خدا(ص) در این باره می‌فرمایند: «هرکه به خدا و روز واپسین ایمان دارد، نباید در مجلسی که در آن از امامی بدگویی یا از مسلمانی غیبت می‌شود، بنشیند. خداوند در کتاب خود می‌فرماید: «چون بینی که در آیات ما از روی عناد گفت‌وگو می‌کنند، از آن‌ها روی‌گردان شو تا به سخنی جز آن بپردازند و اگر شیطان تو را به فراموشی افکند، چون به یادت آمد، با آن مردم ستمکاره منشین!».

(بحارالأنوار: ۹/۲۴۶/۷۵)

و از امام رضا(ع) است که فرمودند: «هرگاه شنیدی کسی حق را انکار و تکذیب می‌کند و زبان به بدگویی از اهل حق گشوده است، از پیش او برخیز و با وی هم‌نشینی مکن».

(بحارالأنوار: ۱/۹۶/۱۰۰)

حضرت ثامن‌الحجج(ع) همچنین می‌فرمایند: «هرکه در مجلسی که یاد و نام ما در آن زنده نگه داشته می‌شود بنشیند، در آن روزی که دل‌ها می‌میرند، دل او نمی‌میرد».

(بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۲۷۸)

پیامبر اکرم(ص) نیز تأکید می‌کنند: «مجلس‌ها امانت‌اند و فاش کردن راز برادرت، خیانت است. از این کار دوری کن و از نشست‌های عشیره‌ای بپرهیز!».

(بحارالأنوار: ۳/۸۹/۷۷)

ایشان همچنین فرموده‌اند: «هیچ‌گاه تعدادی از زمینیان، انجمنِ ذکر خدا برپا نمی‌کنند، مگر آنکه تعدادی از فرشتگان در آن انجمن می‌نشینند».

(بحارالانوار: ۴۲/۱۶۲/۹۳)

سوره همزه، سوره ای کوچک که هشدارهای بزرگی در خود دارد

وای بر انسانی که بد زبان است

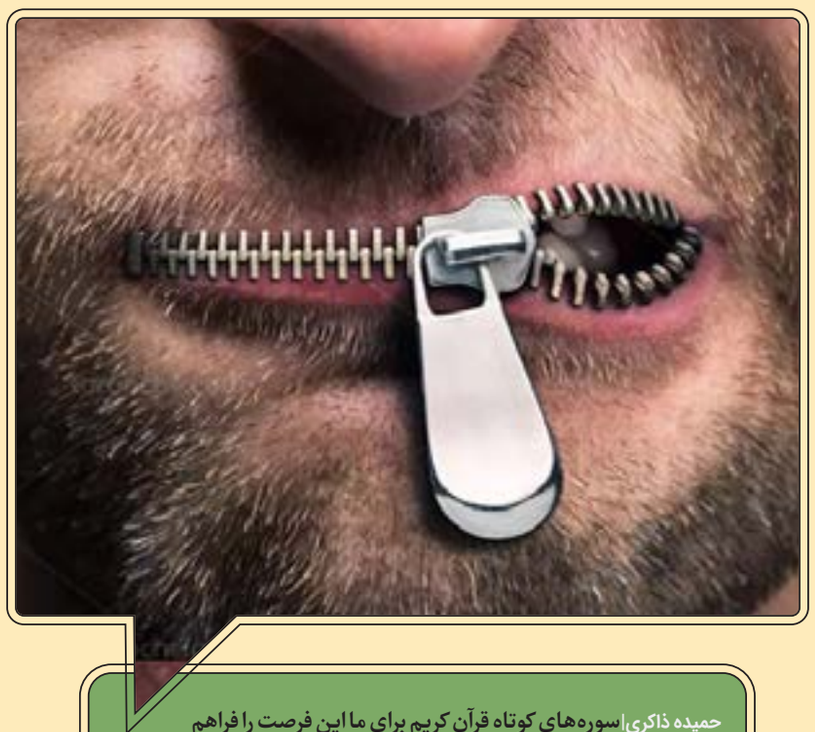

حمیده ذاکری| سوره‌های کوتاه قرآن کریم برای ما این فرصت را فراهم می‌کنند که تدبیر و تدبر در آیات کتاب خدا را تمرین کنیم؛ زیرا محتوای بیشتر این سوره‌ها که در جزء سی قرآن قرار دارند، بیشتر حول یک معنای محوری با تعداد معینی است؛ محتواهایی که معمولا در حوزه رفتار و کردار هستند و با ما از آموزه‌های اخلاقی مطلوب نزد پروردگار صحبت می‌کنند و درحقیقت در پی این هدف هستند که خدایی زندگی کردن را به ما بیاموزند. سوره همزه، از سوره‌های جزء سی‌ام، دارای چنین ویژگی‌ای است؛ سوره‌ای که گفته می‌شود در مذمت بدگویی و عیب‌جویی است. در ادامه به برخی آموزه‌های اخلاقی این سوره با توجه به تفاسیر مشهور و احادیث می‌پردازیم.

سوره‌ای در مذمت یک رفتار غلط

«همزه» صدوچهارمین سوره قرآن کریم است. این سوره مانند بیشتر سوره‌های جزء سی‌ام در مکه بر رسول خدا(ص) نازل شده است. برخی مفسران معتقدند که این سوره درباره وَلیدبن مُغیرَه نازل شده است که پشت سر پیامبر(ص) تهمت می‌زد و بدگویی می‌کرد. گروهی دیگر آن را در مورد جمعی دانسته‌اند که می‌خواستند پیامبر(ص) را بدنام کنند و در مورد ایشان اخبار نادرست را منتشر می‌کردند. این سوره از واژه همزه که به معنای عیب‌جویی و غیبت است و در این سوره آمده، گرفته شده است. سوره هُمَزه ۹آیه، ۳۳کلمه و ۱۳۴حرف دارد.

(دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی ج ۲، ص ۱۲۶۸).

بد زبانی نتیجه‌اش، آتش است

حتما این سخن را بسیار شنیده‌اید که انسان بسیاری از گناهان را از طریق زبان انجام می‌دهد. یکی از بدترین آن‌ها، بدزبانی و آزار خلق با این عمل است؛ آن‌چنان‌که از حضرت صادق(ع) روایت شده است: «به‌درستی که مبغوض‌ترین خلق خدا، آن بنده‌ای است که مردم از زبانش پرهیز کنند».

(الکافی، ج ۲، ص ۳۲۳).

باتوجه‌به محتوای سوره، یکی از علل آزار مردم با گفتار، فخر به داشته‌های مادی است؛ داشته‌هایی که فانی هستند اما در فرد این توهم را ایجاد می‌کنند که می‌تواند به‌سبب آن، دیگران را تحقیر کند؛ عملی که نتیجه‌اش، گرفتاری در دوزخ خواهد بود.

دور کننده بدی و درد

سوره همزه را زیاد بخوانید زیرا قرائت سوره همزه دارای فضیلت‌های متعددی است. از امام صادق(ع) نقل شده است هرکه سوره همزه را در نمازهای واجب قرائت کند، فقر او از بین می‌رود و روزی به‌سویش می‌آید و مرگ‌های بد از او دور می‌شود. (فقه‌الرضا، ص ۳۴۴).

از پیامبر اکرم(ص) نیز نقل شده است به قرائت‌کننده این سوره به ازای کسانی که پیامبر و یارانش را مسخره کردند، حسنه داده می‌شود. (البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۵، ص ۷۵۵). همچنین در برخی روایات به تأثیر تلاوت این سوره در رفع چشم‌زخم و بهبود دردهای جسمی اشاره شده است.

(درمان با قرآن، ص ۱۶۳).

به عیب‌های خودت بپرداز!

با توجه به هشدار شدید سوره همزه، لازم است در ابتدا خود را از این عیب دور نگه داریم و مراقبت کنیم که گرفتار آن نشویم و با تمرکز و توجه به اصلاح خود، از بررسی عیب دیگران دور بمانیم؛ رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «خوشا به حال آن فردی که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب‌های برادران مؤمنش بازدارد!». (بحارالانوار: ۳۲/۱۲۶/۷۷) و در ادامه به افرادی که درگیر این گناه زبانی هستند، با تبعیت از این سوره، هشدار دهیم و حتی برخورد کنیم؛ زیرا یکی از نشانه‌های صحت افراد، دوری از پرداختن به عیوب دیگران است؛ امام علی(ع) می‌فرمایند: «در سالم بودن آدمی، همین بس که عیوب دیگران را کمتر در ذهن خود نگه دارد».

(کشف‌الغمه: ۱۳۷/۳، ۱۳۸).

سوره‌ای در مذمت یک رفتار غلط

همان‌طور که گفته شد، محتوای سوره همزه درباره نکوهش عیب‌جویی و تهمت ناروا زدن به افراد درستکار و مؤمنان است. در این سوره، خداوند مال‌اندوزانی را که به مردم فخر می‌فروشند و به آنان تهمت‌های ناروا می‌زنند، با عذاب دوزخ تهدید می‌کند. در ابتدای سوره می‌خوانیم: «وای بر انسانی که بدزبان است!». دو واژه همزه و لمزه به افراد عیب‌جو اشاره می‌کند. همچنین گفته می‌شود «لمزه» کسی را می‌گویند که به اعمال افراد انتقاد می‌کند و آن اعمال را زشت می‌شمارد، درحالی‌که آن عمل عیب نیست، بنابراین سوره همزه به بدزبانان و افرادی که به قصد تخریب، به‌نادرستی از دیگران عیب‌جویی می‌کنند، هشدار می‌دهد.

روشنا

حدیث قدسی:
جَعَلتُ هذَا الشَّهرَ(رَجَبَ) حَبلاً بَینی و بَینَ عِبادی فَمَنِ اعتَصَمَ بِهِ وَصَلَ بِی... .

ماه رجب را ریسمانی میان خود و بندگانم قرار داده‌ام؛ هرکه به آن چنگ زند، به وصال من رسد. (إقبال‌الأعمال، ج ۳، ص ۱۷۴).

شنیدنی

قصص قرآنی، یوسف

لحظه دیدار نزدیک است

سمانه رضوانی| آدم دلش می‌خواهد بعضی اشتباهاتش را از فکر و ذهن بقیه پاک کند؛ انگار هیچ‌وقت نبوده‌اند؛ صاف‌صاف. برای کسی که اشتباهی می‌کند و بعد پشیمان می‌شود و عذرخواهی می‌کند، هیچ چیز بدتر از سرزنش طرف مقابل نیست. اگر طرف مقابلمان بخشنده هم نباشد، بازبدتر؛ هم یادش نمی‌رود، هم نمی‌بخشد، هم سرزنش می‌کند.

برادران یوسف(ع) وقتی او را شناختند، از شرمندگی نتوانستند سرشان را بالا بیاورند. حال آدمی که دلش می‌خواهد زمین دهان باز کند و او را ببلعد، ولی آن‌قدر خجالت نکشد. آن‌ها به اشتباه خود و برتری یوسف اعتراف کردند: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ ا... عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ (یوسف، ۹۱).

اما مقابل آن‌ها خدایی بود که هم بخشنده بود وهم سرزنش نمی‌کرد؛ چون ارحم‌الراحمین بود؛ یعنی مهربان مهربانان:

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ ا... لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف، ۹۲).

در منش تربیتی خداوند این‌گونه نیست که گناه بنده‌اش را بعد از توبه، پیوسته یادآوری کند. پاک که می‌شود هیچ، اگر توبه کند، ایمان بیاورد، کارهای شایسته انجام دهد، خدا یک کار نشدنی می‌کند؛ بدی و گناهش را به خوبی تبدیل می‌کند: إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ ا... سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ ا... غَفُورًا رَحِيمًا (فرقان، ۷۰).

حالا وقت جبران بود. یوسف(ع) به برادرانش گفت این پیراهن من را ببرید و بر چهره پدر بیندازید تا بینا شود و با همه خانواده پیش من برگردید:

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (یوسف، ۹۳).

کاروان که به طرف کنعان راه افتاد، یعقوب(ع) انگار به دلش افتاده بود که فراق و دوری رو به اتمام است. به اطرافیانش گفت اگر من را متهم به دیوانگی نمی‌کنید، من بوی یوسف به مشامم می‌رسد:

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (یوسف، ۹۴).

شاید بقیه باور نکردند. شاید در دلشان به او ترحم کردند که دوری یوسف آن‌قدر به او فشار آورده که به مرز جنون رسیده است اما...

آن‌ها قسم خوردند که یعقوب در گمراهی است: قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (یوسف، ۹۵).

اول ماجرا هم گفته بودند ما شایسته‌تر برای محبت پدر هستیم و یعقوب برای این مقدار محبت و عشق به یوسف، در گمراهی است.

کاروان رسید. پیراهن رسید و چشم‌های یعقوب بینا شد. او گفت: من گفتم و شما باور نکردید و از طرف خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید: فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ ا... مَا لَا تَعْلَمُونَ (یوسف، ۹۶).

احکام

باطل کننده نماز

پرسش: آیا گفتن «السّلامُ علینا و علی عبادِ ا... الصّالحین» و همچنین گفتن «تبارک اسمک»، و «تعالی جَدّک» در بین نماز موجب باطل شدن و بر هم خوردن صورت نماز می‌شود؟

پاسخ اجمالی: نخست باید گفت نماز جزو عبادات توقیفی است؛ یعنی نماز را همان‌گونه که پیامبر(ص) و ائمه(ع) به ما آموخته‌اند، باید انجام داد. از این‌رو نمی‌توان به دلخواه خود، چیزی به آن افزود یا از آن کاست.

باتوجه‌به این موضوع، آنچه در پرسش آمده است، برگرفته از روایاتی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است که در منابع معتبر شیعی نقل شده است:

راوی از امام‌باقر(ع) نقل می‌کند: «دو چیز است که مردم با آن نماز خود را باطل می‌کنند: یکی اینکه می‌گوید «تبارک اسمک و تعالی جدک»، که جمله اخیر(خدایا بخت تو بلند است)، جمله‌ای است که جنیان از روی جهالت و بدون شناخت در مورد خدا می‌گفتند و خدا در سوره جن،[1] همین عبارت را از آن‌ها حکایت کرده است.
و چیز دیگری که نماز را باطل می‌کند، آن است که گفته شود: «السلام علینا و علی عباد ا... الصالحین».[2]

از امام‌صادق(ع) نقل شده است: ابن‌مسعود با گفتن این دو جمله، نماز مردم را باطل کرد.[3]
آنچه در این مورد می‌توان گفت، این است که «جد» در لغت به معنای بخت و اقبال است که استفاده از آن در مورد خداوند صحیح نیست، از این‌رو گفتن آن در نماز، موجب بطلان آن می‌شود.
و اما گفتن «السّلام‌علینا و علی عبادا...الصّالحین» اگر بعد از تشهد اول باشد، نماز را باطل خواهد کرد؛ زیرا سلام بیجا به‌شمار می‌آید و نشانگر تحلیل و بیرون آمدن از نماز است. به‌عبارت دیگر، اگر این جمله گفته شود، گویا نمازگزار قبل از آنکه نمازش را به پایان برساند، در میانه آن از نماز خارج شده است و گویا ابن‌مسعود نیز در میانه نماز چنین سلامی می‌داد.

در همین زمینه، از امام ششم(ع) نقل است: در نماز با هر کلامی از خدا و پیامبرش یاد کنی، به‌عنوان بخشی از نمازت به‌شمار می‌آید، اما گفتن «السلام‌علینا و علی عبادا...الصالحین» به‌منزله خروج از نماز است.[4]
با توجه به آنچه گفته شد، گفتن این سلام در آخر نماز و در انتهای تشهد دوم و بعد از گفتن شهادتین، اشکال ندارد؛ زیرا نمازگزار در تشهد آخر وقتی شهادتین را بگوید، از نماز فارغ خواهد شد و سلامی که موجب قطع نماز است، خللی به صحت نماز وارد نمی‌کند.

[1]. جن، ۳. «وَ أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا...».
[2]. شیخ‌صدوق، خصال، محقق، مصحح، غفاری، علی‌اکبر، ج یک، ص۵۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
[3]. شیخ‌کلینی، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳، ص۳۳۸، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
[4]. شیخ‌صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، محقق، مصحح، غفاری، علی‌اکبر، ج یک، ص۴۰۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.